

بررسی عوامل مؤثر بر ارتکاب جرم (مطالعه موردی زندانیان استان مرکزی)

دکتر جعفر هزار جریبی *

رضا صفری شالی **

تاریخ دریافت: ۸۸/۴/۲۸

تاریخ پذیرش: ۸۹/۱/۱۷

چکیده:

مقاله حاضر به بررسی عوامل مؤثر بر ارتکاب جرم در بین زندانیان^۱ می‌پردازد. در این نوشتار، برای رسیدن به اهداف تحقیق از دو روش اسنادی و میدانی (پیمایشی) استفاده شده. از نظر روش‌شناسی، این تحقیق از نوع تحقیقات علی-همبستگی می‌باشد. جامعه آماری تحقیق شامل زندانیان زندان‌های استان مرکزی

* دانشیار جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی Jafar_hezar@yahoo.com

** کارشناس ارشد برنامه ریزی اجتماعی و مدرس جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران

reza_safaryshali@yahoo.com

۱. مقاله حاضر بخشی از یک تحقیق با عنوان بررسی و اولویت‌بندی آسیب‌های اجتماعی موجود در جامعه (با

تأکید بر میزان آسیب‌های اجتماعی در بین مردم استان مرکزی) در سال ۱۳۸۵ می‌باشد. *www.SID.ir*

می‌شود. برطبق نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون، ۱۰ متغیر «میزان رواج کجروی در خانواده» (با ضریب ۰/۲۹)، «احساس تعلق به خانواده» (با ضریب ۰/۲۸-)، «محیط اجتماعی نامناسب» (با ضریب ۰/۲۶)، «پایین بودن سن فرد زندانی در اولین سال ورود به زندان» (با ضریب ۰/۲۵)، «میزان پایبندی دینی فرد و خانواده» (با ضریب ۰/۱۸-) «بیکاری» (با ضریب ۰/۱۷)، «گروه دوستان» (با ضریب ۰/۱۰) «رضایت از زندگی» (با ضریب ۰/۱۰-) «ارضاء نیازهای عاطفی در خانواده» (با ضریب ۰/۱۰-) و «احساس محرومیت» (با ضریب ۰/۰۹) به ترتیب ضرایب رگرسیونی ذکر شده بر روی انحرافات اجتماعی زندانیان نقش داشته‌اند. همان‌طور که از ضرایب مشخص است، متغیرهای «احساس تعلق به خانواده، پایبندی دینی، ارضاء نیازهای عاطفی و رضایت از زندگی» تأثیر کاهنده بر روی انحرافات اجتماعی و سایر متغیرها (که دارای ضرایب مثبت هستند) دارای تأثیر افزایش‌دهنده بر روی انحرافات اجتماعی بودند. در مجموع، برای داشتن جامعه ایمن باید به مولفه‌های مختلفی توجه داشت، از جمله این موارد کاهش میزان انحرافات و افزایش احساس امنیت در بین شهروندان می‌باشد؛ بسترهای گوناگون توسعه (اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی) مستلزم وجود جامعه ایمن است. لذا، تردیدی در ضرورت شناخت و کاهش آسیب‌ها و لزوم ایجاد جامعه ایمن وجود ندارد.

واژه‌های کلیدی: آسیب‌های اجتماعی، انحرافات اجتماعی، کجروی، امنیت

اجتماعی، جامعه ایمن و زندانیان.

۱- بیان مسأله

جامعه سالم و ایمن، جامعه‌ای است که افراد در آن احساس امنیت داشته باشند، از این رو، منظور از امنیت: آرامش، فقدان ترس و عدم نگرانی در خصوص ایجاد خطر از سوی دیگران است. به عبارت دیگر، امنیت به مصون بودن از تهدید و خطر مرگ، بیماری، فقر و حوادث غیرمترقبه و در کل هر عاملی که آرامش انسان را از بین ببرد، نیز تعبیر شده است. (صدیق سروستانی، ۱۳۷۶: ۱۱۵). به همین ترتیب یکی از عواملی که

باعث فرسایش احساس امنیت و آسیب‌زایی برای جامعه ایمن می‌شود، وجود جرم و زمینه‌های شکل‌گیری آن است. آسیب‌شناسی اجتماعی، مطالعه بی‌نظمی‌ها و آسیب‌های اجتماعی شامل، همراه با علل و انگیزه‌های پیدایش آن‌ها، شیوه‌های پیشگیری و حل این مسائل و همچنین مطالعه شرایط بیمارگونه اجتماعی می‌باشد. زیرا خاستگاه اصلی تبهکاری و سایر نابهنجاری‌ها و انحرافات اجتماعی را باید در کل حیات اجتماعی و نوع خاص روابط انسانی جستجو کرد. در این راستا، کجروی اجتماعی به هر نوع عمل فردی یا جمعی اطلاق می‌شود که در چارچوب اصول اخلاقی و قواعد عام عمل جمعی جامعه، محل فعالیت افراد قرار نمی‌گیرد و لذا با منع قانونی و قبح اخلاقی و اجتماعی مواجه می‌گردد (Ebbe, 1989). به طور کلی رفتار نابهنجار، رفتاری است که مطابق با هنجارهای مورد قبول جامعه نبوده و برخلاف آن است. (رفیع‌پور، ۱۳۸۰: ۱۷۸)

برای این کار متخصصین علوم اجتماعی باید میکروبی‌های اجتماعی را شناسایی کرده و سپس به درمان پردازند. از بیماریهای مهم جامعه ما که دامنه آن تقریباً گسترده می‌باشد، انحرافات؛ آن هم در میان جوانان کشور می‌باشد. شرایط کنونی جامعه ما که دوران انقلاب و جنگ را پشت سر گذاشته و پر از تحول می‌باشد. در واقع اعمالی که پیش از این ضد ارزش محسوب می‌شد، کم‌کم تبدیل به هنجارهای عادی شده و در میان نسل جدید با ارزش تلقی می‌شود. (عبداللهی، ۱۳۸۱) اما مسأله به این سادگی نیست، علل و عواملی که منجر به این مسأله شده است نیاز به تبیین علمی دارد. از طرفی انحرافات مسأله‌ای است که علل آن هم در سطح خرد و هم در سطح کلان می‌تواند وجود داشته باشد. بنابراین، بررسی علمی می‌تواند مهمترین عوامل را مشخص کند. همچنین میزان انحرافات را نیز بطور دقیق معلوم می‌کند چرا که آمارهای موجود همگی تنها دستگیرشدگانی را محاسبه کرده‌اند که شاید جرایم سنگین‌تری را مرتکب شده‌اند، اما به این نکته توجه نشده است که پتانسیل ارتکاب جرایم سنگین را باید در میان کسانی جستجو کرد که هنوز دستگیر نشده‌اند، ولی با دست‌زدن به اعمال انحرافی امکان پیشرفت آنان در زمینه انحرافات فراهم است. در واقع اگر به این امور در سنین جوانی پرداخته

شود خطر آن بیشتر خواهد بود، چراکه فرصت بیشتری برای ارتکاب جرایم در آینده وجود خواهد داشت. لذا بررسی انحرافات در میان افراد جامعه ضروری به نظر می‌رسد. پس باید اطلاعات کسب کرد تا بتوان به درمان این بیماری پرداخت، درمانی که موقت نبوده و برنامه‌ریزی دقیق و حساب‌شده‌ای برای آن شده است. اگر درمان قطعی این بیماری صورت نگیرد، بیماری پیشرفت کرده و انحطاط و زوال را به ارمغان خواهد آورد. ارزشهای مذهبی و انسانی کمرنگ‌تر شده و تمام ارزشهای مادی و غیرانسانی که صرفاً کسب لذتهای آنی را به همراه دارد، جایگزین خواهد شد و این یعنی، متلاشی‌شدن خانواده و سپس متلاشی‌شدن جامعه. (ستاریان، ۱۳۸۱: ۳).

در حقیقت، در شرایط کنونی شناسایی علل ارتکاب به جرم، تنش‌ها و بحران‌های ناشی از مسائل اجتماعی از ضرورت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا شیوع روز افزون انواع انحرافات و نابهنجاری‌ها زنگ خطری برای جامعه و نسل بعدی است. نکته شایان توجه این است که در زمینه شناسایی و پیشگیری ارتکاب به جرم رویکرد واحدی وجود ندارد، و هر کس از زاویه خاصی به آن نگاه کرده است.

سوال اصلی مقاله، این است که مهمترین دلایل ارتکاب به جرم چه مواردی می‌باشند و سهم عوامل فردی و اجتماعی در این ارتباط تا چه اندازه است.

مبانی نظری

الف- بررسی مفهوم و مختصات موضوع

به نظر می‌رسد ارائه تعریفی پیرامون انحراف که بتواند جامع باشد، بسیار مشکل است. زیرا هنجارها در جوامع گوناگون، متفاوت هستند. به هر حال، روانشناسان، جامعه‌شناسان، حقوقدانان، علمای اخلاق و دین هر یک تعاریف فراوانی از انحراف ارائه داده‌اند، که این تعاریف در مواردی بسیار متفاوت از هم می‌باشند و گاهی نیز نزدیک به هم می‌باشند.

۱- از نظر روانشناسان، انحراف عبارتست از خروج از حال تعادل روانی و رفتاری. به عبارت دیگر کجروی یا انحراف، فقدان همسازی و وحدت بین اجزاء شخصیت می‌باشد.

۲- از نظر جامعه‌شناسان، انحراف رفتار فرد یا گروهی است که با هنجارهای اجتماعی یا الگوهای عرضه‌شده تطابق نداشته باشد. و یا رفتار کسی است که با رفتار حد متوسط افراد اجتماع همخوانی نداشته باشد. (فرجاد، ۱۳۵۸: ۴۰).

۳- از نظر حقوق‌دانان، انحراف هر گونه عمل یا رفتاری است که قانون آن را انحراف بداند و برای آن مجازات قائل باشد. به این ترتیب انحراف، هر عملی است که قانون آن را انحراف بخواند.

۴- از نظر علمای اخلاق، انحراف عبارتست از شکستن ضوابط اخلاقی جامعه و نادیده گرفتن مشی‌گروهی و افکار و ارزشهای عمومی موجود در جامعه.

همچنین از نظر مذهب، انحراف عبارتست از تخطی از جنبه‌های اعتقادی و تعالیم مذهبی یا به عبارت دیگر سرپیچی و طغیان در برابر اوامر و نواهی پروردگار. با توجه به این که پاره‌ای از قوانین از جانب مراجع رسمی ذیربط وضع می‌شود و تخطی از آن مجازات دارد، به این قوانین، قوانین رسمی گفته می‌شود. سایر مقررات یعنی قوانین غیررسمی زمینه سنتی دارند و عدم رعایت آن‌ها انحراف از ارزشها و هنجارهای جامعه محسوب می‌شوند.

تعریفی که «براین هراد» از کجروی ارائه می‌دهد، چنین است: «سرپیچی از معیارهای (خطوط) رفتاری حاکم بر روابط اجتماعی، کجروی نامیده می‌شود. شخصی که هنجارها و قوانین رفتاری جامعه را نقض نماید، به مقتضای امر، کجرو، نابهنجارو یا بیمار خوانده می‌شود» (Hewstone, 2001).

«در واقع کجروی نتیجه تعاریف اجتماعی و موازین و مقررات اخلاقی است که بوسیله سایرین بر فرد تحمیل می‌شود» (فرجاد، ۱۳۵۸: ۲۴). برای شناخت ماهیت انحراف باید نظم اجتماعی را دقیقاً بررسی نموده و عوامل انحراف را در چارچوب نظم اجتماعی جستجو کرد. مسأله‌ای که باید مورد توجه قرار داد، این است که هر کس فعالیت‌های

اجتماعی خود را به پیروی از فعالیتهای دیگران انجام می‌دهد و تلاش دارد خود را با سایرین منطبق سازد، در نتیجه نظریه‌هایی که مربوط به انحرافات افراد است، عموماً به مجموعه‌ای از کنش‌های متقابل اجتماعی افراد ارتباط پیدا می‌کند، بنابراین برای شناخت انحرافات در ابتدا باید ساخت و ماهیت مفاهیم اخلاقی جامعه را بررسی کرد و کیفیت اخلاق جامعه را در وهله نخست باید از مشاهدات فرد و طرز تلقی او از اعمال و کنش‌های دیگران جستجو کرد. (صفری شالی، ۱۳۸۴: ۲۳)

انحرافات و کجروی، نظم اجتماعی را مختل نموده و مشکلات متعددی برای جامعه بوجود می‌آورد. جامعه‌شناسان مطالعات زیادی درباره رفتار منحرف انجام داده‌اند از قبیل: گروه‌های پرخاشگر، الکلیسم، اعتیاد به مواد مخدر، قمار، روسپیگری، جنایت توسط بزرگسالان و بزهکاری نوجوانان، که همگی دلالت بر تأیید قضیه فوق دارند.

رفتار منحرف بعنوان یک مسأله اجتماعی جدی است. از کلمه «منحرف» چنین برمی‌آید که بیشتر افراد جامعه، این نوع رفتار را تقبیح کرده و بدان دست نمی‌زنند. در حقیقت تقبیح نصیب کسانی می‌شود که در حین انجام آن گرفتار می‌شوند. به علاوه تمام گروه‌ها در یک جامعه در مورد چگونگی رفتار منحرف با یکدیگر توافق ندارند (کارولین، ۱۳۵۳: ۷۵).

ب- نظریه‌های مربوط به انحرافات

در مجموع نظریه‌های گوناگون در این حوزه به سه دسته: ۱- نظریه‌های بیولوژیک یا جسمانی (وراثت) ۲- نظریه‌های روان‌زیستی ۳- نظریه‌های جامعه‌شناسی و روانشناسی اجتماعی تقسیم می‌شوند که در نوشتار حاضر بر روی نظریه‌های جامعه‌شناسی و روانشناسی اجتماعی تأکید می‌شود.

اولین نظریه مطرح در این حوزه، **نظریه فشار اجتماعی** است. مطابق نظریه فشار مرتون^۱ افراد طبقات پایین‌تر بیشتر احتمال دارد که درگیر کجروی شوند زیرا که جامعه

آن‌ها را به داشتن هدف کسب موفقیت‌های بزرگ ترغیب می‌نماید اما ابزار رسیدن به آن اهداف را در اختیار آن‌ها قرار نمی‌دهد. کوهن^۱ این نظریه را بدین صورت بسط می‌دهد که پیشنهاد می‌نماید زمانی که آرزوهای آن‌ها برای کسب منزلت در محیط مربوط به طبقات متوسط از میان می‌رود، جوانان طبقات پایین تشویق می‌شوند که منزلت را با شرکت در خلافاکاری میان خود جستجو نمایند. (Cohen, 1966) کلوارد و اوهلین^۲ بدین صورت نظریه مرتون را گسترش می‌دهند که بیان می‌دارند، این که آیا جوانان طبقه پایین مستعد خلافاکاری واقعاً کجروی می‌نمایند یا نه؟ این موضوع به این بستگی دارد که آیا آن‌ها به فرصت‌های غیر قانونی دسترسی دارند یا خیر. اما درباره اینکه نظریه فشار چقدر مفید است؟ هیچ مدرکی وجود ندارد که طبقه پایین اجتماع در مقایسه با طبقات میانه و بالا با داشتن یک آرزوی کسب موفقیت مشابه بیشتر مستعد خلافاکاری باشد. با این حال، این نظریه نقش ارزشمندی در جایگزین نمودن توضیحات جامعه‌شناختی بجای توضیحات روان‌شناختی برای انحراف و همین طور در ارائه یک فرضیه معتبر در مورد شکاف آرزو - موقعیت داشته است. (klein, 1982)

دومین نظریه‌های مطرح در این حوزه، **نظریه یادگیری اجتماعی** است. در این راستا نظریه پیوند افتراقی ساترلند^۳ بیان می‌دارد، افراد احتمالاً زمانی منحرف می‌شوند که بیشتر با افرادی ارتباط داشته باشند که عقاید انحرافی دارند تا افرادی که نظریه‌های ضد انحرافی را دارا می‌باشند. گلاسر در بسط این نظریه می‌گوید که عامل تعیین کننده برای تبدیل پیوند افتراقی به کارهای غیرقانونی، هویت افتراقی است. درحالی‌که برگس و آکرز^۴ تقویت شدن افتراقی را بعنوان عامل تعیین کننده در نظر گرفته‌اند. (Thio :1998:52)

مدل زیر بطور خلاصه بیان کننده نظریه‌های افراد مذکور است:

ساترلند: رفتار جنایتکارانه → پیوند افتراقی

1. Albert Cohen
2. Richar Cloward & Llyod Ohlin
3. Edwin Sutherland
4. Robert Burgess & Ronald Akers

گلاسر: رفتار جنایتکارانه → هویت افتراقی → پیوند افتراقی

برگس و آکرز: رفتار جنایتکارانه → تقویت افتراقی → پیوند افتراقی

سومین نظریه مطرح در این حوزه نظریه کنترل اجتماعی است. طبق این نظریه، آنچه که باعث تبعیت از قانون می‌شود کنترل است و بدین صورت نبودن کنترل باعث انحراف می‌شود. (Ebbe, 1989) تراوس هیرشی^۱ این دلایل تبعیت از قانون را پیوند با اجتماع یا کنترل بر نفس می‌خواند. هیرشی مبدع «نظریه کنترل» اجتماعی یا قیود اجتماعی^۲ معتقد است که انحراف ناشی از ضعیف یا گسستگی تعلق فرد به خانواده و جامعه است. (Hagan, 1992:22) وی قیود اجتماعی را تحت چهار مفهوم کلی مورد بررسی قرار می‌دهد ۱- وابستگی به خانواده، معلمان و ... ۲- تعهد (وجدان)، ۳- درگیر و مشغول بودن به فعالیتهای گوناگون روزانه و ۴- باورها (باور به نیکوکاری و حسن شهرت و...) هیرشی معتقد است که اجزاء وابستگی و تعلق به جامعه شامل موارد زیر می‌باشد:

۱- اتصال با سایر افراد ۲- پذیرفتن و مشارکت در نقش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی که ارزش و نتایجی برای آینده دارند

۳- اعتقاد به ارزشهای اخلاقی، هنجارهای فرهنگی و امثال آن.

هیرشی می‌گوید کیفیت هر کدام از موارد سه گانه فوق‌الذکر در هر مورد خاص می‌تواند موجب همنوایی یا علت ناهمنوایی و انحراف باشد. مثلاً اگر فرد پیوندهایی با افرادی که طرفدار عدم همنوایی و رفتارهای غیرقانونی و غیرقابل قبول هستند، داشته باشد، احتمال انحراف در مورد وی افزایش می‌یابد. افرادی که در فعالیتهای اجتماعی مقبول مشارکت دارند و مشاهده می‌کنند که متابعت از قانون زودتر آنها را به آرمان‌های خویش می‌رساند، میل بیشتری به همنوایی خواهند داشت. (Barbera, 1982)

در کل این نظریه در عین حال که از دید جامعه شناختی توجه به عوامل بالقوه موثر در انحراف دارد، از یک نظر نقص دارد و آن نداشتن توجه کافی به تأثیر محیط در

انحراف یا عوامل بالفعل است. چنان که برخی پژوهشگران نیز نشان داده‌اند تنها وابستگی، تعهد، درگیر بودن و باورهای قراردادی نمی‌تواند تبیین کننده عدم ارتکاب به انحراف باشد. در این میان رفقا، مصاحبان بزهکار و به طور کلی همه خلافکاران نقش مهم و شاید مؤثرتری از عوامل فوق دارند. هیرشی در این موضوع معتقد است که افراد بزهکار قادر به ایجاد وابستگی معقول و منطقی با سایرین نیستند، از این رو رابطه بین اعمال بزهکارانه و داشتن رفقای بزهکار رابطه‌ای ظاهری است (هیرشی، ۱۹۶۹). اما بررسی‌های دیگر نشان داده است که تأثیر این رابطه و روابط مشابه با بزهکاران دیگر بر انحراف، بسیار بیشتر از عوامل بر شمرده در نظریه کنترل اجتماعی است (مشکانی و مشکانی، ۱۳۸۱:۱۲)

چهارمین نظریه مطرح در این حوزه **نظریه تضاد** است: تعدادی از جامعه‌شناسان از جمله فولر^۱ و والر^۲ با توجه به ماهیت تکثرگرایانه^۳، چندگون^۴، و تضادآمیز^۵ جامعه مدرن این مبحث را بیان نمودند. در یک جامعه سنتی ساده، مردم در ارزش‌های فرهنگی یکسان سهیم بودند، بنابراین، روابط و مناسبات هماهنگی میان آنان وجود داشت، اما در جوامع مدرن، وفاق ارزشی و هماهنگی اجتماعی این چنینی، وجود ندارد. (Ward, and Charles, 1993) در عوض در این نوع جوامع، مقدار قابل توجهی تضاد وجود دارد. در حوزه مکتب تضاد، نظریه‌های متفاوتی مطرح شده است که عبارتند از نظریه واقعیت قانونی^۶ ۲- نظریه واقعیت اجتماعی^۷، ۳- نظریه مارکسیستی^۸ ۴- نظریه فمینیستی^۹، ۵- نظریه قدرت. که در اینجا مجال پرداختن به تک تک آن‌ها به صورت کامل وجود ندارد،

1. Fuller
2. Waller
3. Pluralistic
4. Heterogeneous
5. Conflictive
6. Legal reality theory
7. Social Reality Theory
8. Marxist Theory
9. Feminist Theory

اما در ادامه بیان چکیده نظریه‌های این مکتب می‌پردازیم:

- ۱- نظریه واقعیت قانونی: اعمال قانون در جامعه به نفع ثروتمندان و صاحبان قدرت، و علیه فقرا و ضعفا صورت می‌پذیرد.
 - ۲- نظریه واقعیت اجتماعی: طبقه مسلط، با ایجاد قوانین، اعمال یا اجرای قوانین، ظلم به طبقات فرمانبردار، و توسعه ایدئولوژی جرم، موجب بروز جرم می‌گردند.
 - ۳- نظریه مارکسیستی: انحراف و جرم ریشه در ماهیت استثمار سرمایه‌داری دارد.
 - ۴- فمینیست نظریه‌های موجود درباره انحراف، بطور وسیعی درباره زنان قابلیت بکارگیری ندارند، و منزلت یا جایگاه زنان به عنوان مهاجم و قربانی منعکس کننده تداوم تبعیت و نقش مادونی زنان در جامعه پدرسالار می‌باشد.
 - ۵- نظریه قدرت: به خاطر انگیزه قوی‌تر برای انحراف، فرصت بیشتر برای انحراف و نظارت اجتماعی ضعیف‌تر، افراد صاحب قدرت، به احتمال زیاد مرتکب انحراف‌هایی می‌شوند که سود زیادی از آن‌ها ناشی می‌شود و در مقابل افراد فاقد قدرت درگیر انحراف‌هایی که (در مقایسه با انحراف افراد قدرتمند) سودآور نیستند، می‌باشند.
- (Thio, 1998)

نظریه محرومیت نسبی^۱ پنجمین نظریه مطرح در این حوزه است، براساس این نظریه انسان‌ها عموماً به مقایسه خود با دیگران می‌پردازند و در این رابطه وقتی احساس فقر و بی‌عدالتی می‌کنند واکنش‌های شدید عاطفی (مانند تعویض شغل، کارشکنی و خودکشی و ...) انجام می‌دهند، وقتی این احساس به بالاترین درجه خود برسد به احساس تضاد اجتماعی می‌انجامد و تعارضات شدیدی را در پی دارد. (رفیع‌پور، ۱۳۸۰).

پ- چارچوب نظری انتخابی

در مقاله حاضر، مطالعه نظریه‌های مختلف و همچنین گستردگی ابعاد موضوع مورد مطالعه باعث شد که دیدگاه ترکیبی را برگزیده و به صورت تلفیقی از هر یک از

نظریه‌های، مورد خاصی را استخراج کنیم. براین اساس به فرایند انتخاب متغیرهای مورد سنجش تحقیق، از نظریه‌های مذکور پرداخته می‌شود.

متغیرهای «ارضای نیازهای عاطفی در خانواده، احساس تعلق به خانواده و تأثیر وضعیت اشتغال (شاغل یا بیکار بودن) از **نظریه کنترل اجتماعی** (تراوس هیرشی) گرفته شده است، زیرا در این نظریه به چهار عامل «وابستگی (به خانواده، معلمان و سایر افراد جامعه)، تعهد یا وجدان، درگیر و مشغول بودن و در نهایت باورها» به عنوان قیود یا کنترل اجتماعی ذکر شده و از طرف دیگر آمده است که انحراف ناشی از ضعیف شدن یا گسستگی تعلق فرد از خانواده و جامعه است. و باید احساس همنوایی افراد را با استفاده از مکانیزم‌های مختلف بالا برد.

متغیرهای «محیط اجتماعی نامناسب» و «گرایش به گروه **همالان**» و «میزان رواج کجروی در خانواده» از **نظریه یادگیری اجتماعی** گرفته شده است. زیرا بر اساس نظریه ادوین ساترلند رفتارهای منحرف از طریق برقراری پیوند افتراقی فرد با دیگران و محیط آموخته می‌شود. در نظریه تضاد و برچسب زنی (که البته در مبانی نظری اشاره چندانی به آن نشد) متغیر «پایگاه اقتصادی و اجتماعی» مصداق پیدا می‌کند. زیرا بر اساس این نظریه، افراد با پایگاه «اقتصادی و اجتماعی بالا» معمولاً انحراف را به افراد با پایگاه اقتصادی و اجتماعی پایین نسبت می‌دهند.

متغیر «پایبندی دینی» بر اساس **نظریه کنترل اجتماعی** (مبحث باورها) و تجربیات محققین انتخاب شده است. البته در خصوص میزان پایبندی از **نظریه پدیدار شناسی** نیز استفاده شده است، زیرا نظریه پدیدارشناسی راهی به ذهنیت و درون افراد ایجاد می‌کند (که آن را پدیده می‌نامند) و به بررسی آگاهی، گرایشها، احساسات و عقاید افراد می‌پردازد و آنها را در گرایش و یا عدم گرایش به انحراف مؤثر می‌داند.

«متغیر میزان احساس محرومیت» از دیدگاه‌های مختلف **نظریه تضاد** در حوزه آسیب‌های اجتماعی قابل تبیین است. که در آن تضادهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

متعدد در جوامع مدرن (بجای وفاق ارزشی و هماهنگی اجتماعی جوامع سنتی) از یکدست شدن جامعه می‌کاهد. البته محققین در تحقیقاتی که در سالهای اخیر (خصوصاً در خصوص رضامندی) داشته‌اند بر این باورند که متغیر «رضایت از زندگی» از مهمترین مؤلفه‌ها در احساس ارضا نیازها و جلوگیری از احساس محرومیت و نتیجه در جلوگیری از گرایش به آسیب‌های اجتماعی می‌باشد و به همین ترتیب این متغیر نیز به عنوان یکی از متغیرهای مستقل (یا تأثیرگذار) انتخاب شده است.

د- فرضیات تحقیق

- ۱- احتمال می‌رود که بین احساس محرومیت در بین مجرمین با میزان انحرافات اجتماعی آن‌ها رابطه وجود داشته باشد.
- ۲- احتمال می‌رود که بین میزان ارضاء نیازهای عاطفی مجرمین با میزان انحرافات اجتماعی آن‌ها رابطه وجود داشته باشد.
- ۳- احتمال می‌رود که بین میزان پایبندی دینی مجرمین و خانواده با میزان انحرافات اجتماعی آن‌ها رابطه وجود داشته باشد.
- ۴- احتمال می‌رود که بین گرایش به گروه‌های دوستان و میزان انحرافات اجتماعی (مجرمین) رابطه وجود داشته باشد.
- ۵- احتمال می‌رود که بین رضایت از زندگی و میزان ارتکاب به انواع انحرافات اجتماعی در مجرمین رابطه وجود داشته باشد.
- ۶- احتمال می‌رود که بین میزان احساس تعلق به خانواده در بین مجرمین با میزان انحرافات اجتماعی آن‌ها رابطه معکوس وجود داشته باشد.
- ۷- احتمال می‌رود که بین رواج انحراف در جامعه (محیط ناسالم) با میزان انحرافات مجرمین رابطه وجود داشته باشد.

۸- احتمال می‌رود که بین رواج انحراف در خانواده مجرمین (خانواده ناسالم) با میزان انحرافات آن‌ها رابطه وجود داشته باشد.

۹- احتمال می‌رود که بین وضعیت اشتغال (بیکار بودن) مجرمین با میزان انحرافات آن‌ها رابطه وجود داشته باشد.

۱۰- احتمال می‌رود که بین پایگاه اقتصادی و اجتماعی خانواده مجرمین (زندانی‌ها) با میزان انحرافات اجتماعی آن‌ها رابطه وجود داشته باشد.

۵- تعریف نظری و عملیاتی (نحوه سنجش) متغیرها

در این نوشتار ابتدا به تعریف و نحوه سنجش متغیرهای مستقل و در ادامه به متغیر وابسته پرداخته می‌شود:

الف- متغیرهای مستقل

احساس محرومیت: به معنای فاصله بین انتظارات و امکان تأمین آن‌ها و همین‌طور احساس کمبود در افراد در اثر مقایسه وضعیت خود با دیگران است. هر چه این فاصله بیشتر باشد، احساس محرومیت نسبی و بی‌عدالتی توزیعی نیز بیشتر می‌شود (Patterson, 1991)

نیازهای عاطفی: نیاز در شرایطی که در آن وجود شیئی یا عملی که انسان فاقد آن است، ضرورت پیدا می‌کند. در واقع هر گونه احساس انحراف و نقصان جسمی و روحی و روانی است که فرد را برای جبران یا رفع آن به فعالیت وادار می‌دارد. نیاز یک حالت کمبود یا نقصان در موجود زنده است و سائق به انرژی یا تمایل حاصل از نیاز گفته می‌شود از این رو باید گفت که نیازهای عاطفی نیز یکی از انواع نیازها می‌باشد که ارضای آن خصوصاً در محیط خانواده در کنترل آسیب‌های اجتماعی بسیار مؤثر است. به همین دلیل به سنجش این متغیر در جامعه آماری مورد مطالعه پرداخته شد.

پایبندی به ارزشهای دینی: دینداری عبارتست از مجموعه شناخت‌ها، احساس‌ها و تمایلات نسبتاً پایدار و مثبت نسبت به دین که در وضعیت عادی و طبیعی، اجتماعی و روانی، در فرد وجود داشته باشد و در کنش‌های وی نسبت به نیروی جذاب (خداوند) جهان، خود جامعه و تاریخ به ظهور برسد. در تعریفی دیگر از مذهبی بودن و دینداری، میزان اعتقاد و پایبندی به فرایض و شرکت در مراسم مذهبی لحاظ شده است (یازرلو، ۱۳۸۴).

احساس تعلق خانوادگی: عبارت از احساس پیوستگی، توافق و تفاهم در بین اعضای خانواده است. که نزدیکی را در بیان اعضای خانواده به وجود می‌آورد این موضوع به صورت امکان بیان مشکلات فردی در خانواده میزان کمک به والدین و اعضای خانواده، احساس وابستگی و افتخار به اعضای خانواده سنجیده می‌شود.

احساس رضایت از زندگی: احساس رضایت، از بازتاب توازن میان آرزوهای شخصی و وضعیت عینی فردی و اجتماعی به وجود می‌آید. (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۲۴۱). از کمپ رضایت از زندگی را اینگونه تعریف می‌نماید: رضایت بر تجربه شناختی و داورانه‌ای دلالت دارد که به عنوان اختلاف ادراک شده بین آرزو و پیشرفت در زندگی (یعنی تحقق آرزو) تعریف می‌شود. این تعریف طیفی را تشکیل می‌دهد که از ادراک کامروایی تا حس محرومیت را در برمی‌گیرد. این مفهوم با مفهوم خوشحالی که ناظر بر تجربه عاطفی (هیجان‌ها و احساسات) می‌شود، تفاوت دارد (از کمپ، ۱۳۷۰: ۶۹).

گروه دوستان یا همسالان (همالان): منظور گروه هم‌سن و سال افراد می‌باشد. اریکسون معتقد است یکی از ویژگی‌های کلیدی خصوصاً در نوجوان و جوان افزایش معاشرت با هم‌سن و سالان به عنوان بخشی از فرایند بدست آوردن استقلال است. با توجه به این که رابطه دوستی بین گروه همالان، گرایش به برابری دارد و یکی از ویژگی‌های این دوره ورود به گروه‌های دوستی است گاهی این گروه‌ها موجب فاصله گرفتن فرد از زندگی خانوادگی و حتی گاهی موجب گسیختگی آن‌ها از خانواده

می‌شوند. حال در مقاله حاضر به بررسی شبکه دوستی، تعداد دوستان و میزان گذران وقت با دوستان و ارزیابی از دوستان پرداخته می‌شود و در نهایت هدف این است که به تاثیر گروه دوستان بر میزان کجروی فرد پاسخگو پرداخته شود. (هزار جریبی و صفری شالی، ۱۳۸۵: ۷۵)

محیط اجتماعی: منظور منطقه ای که فرد در آن سکونت دارد و در تحقیق حاضر به بررسی تاثیر محیط بر کجروی افراد پرداخته می‌شود. از جمله عوامل مؤثر در بحث محیط اجتماعی خصوصاً در ارتباط با انحرافات اجتماعی، مفهوم خرده فرهنگ‌هاست. منظور از خرده فرهنگ‌ها یا خرده گروه‌های بزهکار در محیط اجتماعی، کسانی‌اند که رفتار آن‌ها مورد پسند اجتماع نیست و در اجتماع به عنوان افراد منحرف شناخته شده‌اند.

پایگاه اقتصادی - اجتماعی: وضعیتی است که یک شخص، یا یک گروه در یک نظام اجتماعی در برابر دیگران می‌یابد. «پایگاه را پایه‌هایی است چون آموزش، ثروت، درآمد، خانوار و...» (ساروخانی، ۱۳۷۵)

- متغیر وابسته:

انحرافات و کجرفتاری، رفتاری است که منع قانونی دارد و در تعارض با هنجارها و ارزشهای اجتماعی قرار دارد. احتمالاً نوعی تنبیه و مخالفت را به دنبال خود خواهد داشت. بنابراین انحراف شامل هر گونه رفتاری است که نوعی هنجار اجتماعی و ارزش فرهنگی را نقض کرده است. (داوری و همکاران، ۱۳۸۷).

برای سنجش میزان جرم، به تعداد دفعاتی که فرد مجرم شناخته شده، و وارد زندان شده و همین طور نوع جرمی که انجام داده است؛ توجه شده است. البته منظور از نوع، برای شناخت میزان شدت جرم است زیرا فردی که قتل عمد انجام داده در مقایسه با فردی که با دوستان درگیری و زد و خورد داشته، به لحاظ میزان شدت جرم با یکدیگر فرق دارند، از این رو در تحقیق حاضر علاوه بر تکرار جرم، شدت آن نیز برای سنجش میزان ارتکاب به جرم مورد توجه قرار گرفته است.

به این ترتیب در جدول زیر گویه‌های هر یک از متغیرهای مستقل آمده است:

جدول ۱: نحوه شاخص‌سازی متغیرهای تحقیق (مربوط به پرسشنامه زندانیان)

موضوع تحقیق	نوع متغیرها	شاخص‌های تحقیق	سطح سنجش	گویه‌های هر شاخص
بررسی زمینه و عوامل مؤثر بر انحراف زندانیان	وابسته	انحراف و انحراف (البته برای سنجش متغیر وابسته هم تکرار جرم و هم نوع جرم با توجه به بار وزنی آن توجه شده است)	فاصله‌ای و ترتیبی	۱- قتل ۲- سرقت ۳- مصرف مشروبات الکلی ۴- زنا ۵- فساد مالی ۶- تجاوز به حقوق دیگران در اشکال مختلف، ۹- همسرآزاری ۱۰- قاچاق مواد مخدر ۱۲- توزیع فیلم‌های غیرمجاز ۱۳- تجاوز جنسی به کودکان و زنان ۱۴- راهزنی ۱۵- موارد دیگر
		میزان احساس محرومیت (در اثر مقایسه با دیگران)	ترتیبی	مقایسه با دیگران از لحاظ: وضعیت مسکن، میزان درآمد، میزان ثروت و دارایی، میزان توانایی برای مسافرت و تفریح رفتن، مورد احترام دیگران واقع شدن، منزلت و موقعیت خانوادگی
	مستقل	تأثیر محیط اجتماعی	ترتیبی	سنجش میزان هر یک از موارد در محیط زندگی: مصرف مواد مخدر، قماربازی، رد و بدل فیلم‌های غیرمجاز، وجود گروه‌های اراذل و اوباش، مصرف مشروبات الکلی، مزاحمین نوامیس مردم
		گروه دوستان (همالان)	ترتیبی	میزان اختصاص وقت به دوستان، مصرف مواد مخدر در بین دوستان، رواج مشروبات الکلی و قماربازی در بین دوستان، میزان تشویق از سوی دوستان به کارهای خلاف، داشتن دوستانی که قبلاً زندانی بوده‌اند، تأثیر دوستان در گرایش به کارهای خلاف
		میزان ارضای نیازهای عاطفی در خانواده	ترتیبی	مورد درک و ارزش واقع شدن، دریافت نصیحت و راهنمایی، وجود آرامش و امنیت روانی در خانواده، مشورت‌گیری اعضای خانواده از فرد، میزان مهر و محبت پدر و مادر، میزان مشاجره و بگو و مگو در خانواده

رضایت از رضایت از اعضای خانواده، میزان رضایت از زندگی در شکل کلی، میزان رضایت از نوع شغل و وضعیت درآمد، رضایت از محله زندگی و همسر	ترتیبی	میزان رضایت از زندگی
امکان بیان مشکلات فردی در خانواده، میزان اهمیت دادن خانواده به مشکلات فرد، میزان توجه فرد به مشکلات خانواده، احساس وابستگی به خانواده، میزان افتخار به خانواده، نوع احساس فرد در ارتباط با نگرش خانواده از زندانی شدن او	ترتیبی	میزان احساس تعلق به خانواده
میزان شرکت در مراسم‌های مذهبی، میزان فعالیت در مراسم‌هایی مثل روضه، اعتقاد به روز معاد، میزان به جا آوردن نماز، میزان شرکت در نماز جماعت	ترتیبی	میزان پایبندی به ارزشهای دینی در فرد و خانواده او
سابقه زندانی داشتن اعضای خانواده (پدر، برادران، مادر یا خواهر) سابقه زندانی داشتن خود پاسخگو، اولین سال ورود به زندان و تعداد دفعات	فاصله ی	میزان رواج انحراف در خانواده
تحصیلات پاسخگو و پدر و مادر، میزان درآمد خود فرد و یا خانواده (مقیاس فاصله ای) داشتن اتومبیل (مقیاس اسمی) و نوع اتومبیل (ترتیبی)، وضعیت مسکن (ترتیبی)، وضعیت اشتغال خود و پدر (ترتیبی)	متفاوت	پایگاه اقتصادی و اجتماعی
مشکلات پاسخگو قبل از ورود به زندان (مقیاس اسمی)، سن (فاصله ای)، وضعیت تأهل (اسمی)، تعداد اعضای خانواده (فاصله ای)	متفاوت	سؤالات عمومی و جمعیتی

۶- جامعه آماری و حجم نمونه

جامعه آماری این تحقیق شامل افراد زندانی است که به یکی از دلایل انحراف اجتماعی زندانی شده و در زندان‌های استان مرکزی به سر می‌برند. (سال ۱۳۸۵) البته تعداد کل این زندانیان ۱۸۰۰ نفر می‌باشد. که ۹۵۰ نفر به دلایلی مانند تصادفات، چک برگشتی و یا عدم توانایی در پرداخت نفقه زن و طلاق و... زندانی بوده و از این رو به عنوان مجرم تلقی نمی‌شوند. و اما در مجموع ۸۵۰ نفر به عنوان مجرم (تحت عناوینی که

در تعریف عملیاتی آمده است) زندانی شده‌اند، که از این تعداد برحسب فرمول کوکران تعداد ۲۶۴ نفر به شرح ذیل به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند.

$$n = \frac{N \cdot t^2 \cdot p \cdot q}{N \cdot d^2 + t^2 \cdot p \cdot q}$$

فرمول کوکران

برای انتخاب حجم نمونه از فرمول عمومی کوکران (که در آن p احتمال وجود صفت و q عدم وجود صفت ۰/۵ در نظر گرفته می‌شود) استفاده گردید.

$$n = \frac{850 \times (1/96)^2 \times (0/5) \times (0/5)}{850 \times (0/05)^2 + (1/96)^2 \times (0/5) \times (0/5)} = \frac{816}{3/085} = 264$$

$$N = \text{تعداد کل جامعه آماری} = 750000$$

$$t^2 = (1/96)^2 = \text{استودنت (t) وقتی که سطح معنی‌داری آزمون برابر با 0/05 باشد}$$

$$d^2 = (0/03)^2 = 0/009 = \text{تقریب در برآورد پارامتر مورد مطالعه}$$

$$p^1 = (0/5)^2 = \text{احتمال وجود صفت}$$

$$q = (0/5)^2 = \text{احتمال عدم وجود صفت}$$

لازم به توضیح می‌باشد بر طبق آمار اداره کل زندان‌های استان مرکزی در سال ۱۳۸۵ استان مرکزی دارای دو مجتمع، یک اردوگاه و شش زندان بود، از این رو برای انتخاب زندان‌ها و حجم نمونه از روش نمونه‌گیری طبق و اصل نسبت استفاده شد، اما برای انتخاب افراد نمونه در داخل هر یک از زندان‌ها از روش نمونه‌گیری سیستماتیک استفاده شد.

۱- لازم به توضیح است که به خاطر عدم وجود اطلاعات مورد اعتماد برای برآورد واریانس در فرمول حجم نمونه مقدار p و q را برابر با ۰/۵ در نظر گرفتیم، لذا در این صورت با توجه به حجم جامعه آماری، بالاترین حجم نمونه بدست می‌آید.

۷- نوع و روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع تحقیقات علی - همبستگی می باشد. در اجرای این تحقیق، از دو روش مطالعه اسنادی و میدانی (پیمایشی) سود برده شد.

واحد تحلیل و مشاهده: با توجه به این که این تحقیق درصدد بررسی عوامل ارتکاب جرم در بین افراد زندانی است و متغیرها در سطح فرد مورد بررسی و سنجش قرار گرفته و نتایج نیز در همین سطح توصیف و تحلیل شده، از این رو واحد تحلیل این پژوهش در سطح «فرد» است. واحد مشاهده نیز «فرد» می باشد و اما ابزار مشاهده به صورت مصاحبه و با استفاده از پرسشنامه ساخت یافته، می باشد.

در خصوص استفاده از تکنیک پرسشنامه لازم به توضیح می باشد که، در ابتدا پرسشنامه مقدماتی تهیه شد و با مشورت و استفاده از نظرات صاحب نظران اعتبار صوری^۱ تحقیق بدست آمد. البته بعداً با استفاده از تحلیل عاملی^۲، اعتبار سازه^۳ (نظری) تحقیق نیز بدست آمد. می شود نتیجه گرفت که مجموعه متغیرها همبستگی بالایی با عاملها (شاخص های) تعیین شده مدل نظری دارند و به عبارت دیگر اعتبار میزان انطباق بین تعریف مفهومی با تعریف عملیاتی آنها وجود دارد.

البته بعد از تکمیل ۳۰ پرسشنامه بعنوان پیش آزمون (پری تست) از ضریب آلفای کرونباخ برای بدست آوردن میزان پایایی شاخص های تحقیق استفاده شد. بدین ترتیب گویه هایی که همبستگی کمتری داشتند، اصلاح شدند و گویه های متناسب دیگری جایگزین آنها شدند و در نتیجه در مجموع ضریب پایایی شاخص های نهایی تحقیق به ۰/۷۲ رسید. البته در ادامه به بررسی ضریب پایایی هر یک از متغیرها پرداخته می شود.

1. Face validity
2. Factor analysis
3. Construct validity

جدول ۲- میزان آلفای بدست آمده برای هر یک از شاخص‌های تحقیق

شاخص	ضریب پایایی	شاخص	ضریب پایایی
میزان رواج کجروی در خانواده	۰/۷۲	احساس محرومیت	۰/۷۰
پایبندی به ارزشهای دینی در خانواده	۰/۷۱	تأثیر گروه دوستان (همالان)	۰/۷۳
پایبندی به ارزشهای دینی در فرد زندانی	۰/۷۲	احساس تعلق به خانواده	۰/۷۷
محیط نامناسب اجتماعی	۰/۶۹	رضایت از زندگی	۰/۷۵

همان طور که از جدول فوق مشخص می‌باشد ضریب پایایی بدست آمده برای هر یک از مفاهیم در حد بالا می‌باشد و این موضوع نشان دهنده همبستگی درونی بین متغیرها برای سنجش مفاهیم مورد نظر می‌باشد و بدین ترتیب می‌توان گفت که تحقیق ما از قابلیت اعتماد و یا پایایی لازم برخوردار می‌باشد.

۸- یافته‌ها

نتایج بیانگر آن است که حدود ۸۹ درصد یعنی اکثریت پاسخگویان زندانی را مردان تشکیل می‌دهند. حدود ۱۱ درصد از زندانیان را زنان به خود اختصاص داده‌اند. البته حجم نمونه با توجه به تعداد کل زندانیان زن در مقایسه با زندانیان مرد انتخاب است. توزیع سنی پاسخگویان نشان می‌دهد حدود ۶۵ درصد پاسخگویان زندانی که اکثریت آن‌ها را هم شامل می‌شوند، بین سنین ۱۹-۳۰ سال قرار دارند. پس بر طبق این نتیجه می‌توان گفت که میزان انحرافات اجتماعی در نسل جوان مسأله و معضل اساسی است.

نتایج تحقیق از افراد زندانی درباره مشکلاتشان در زندگی نشان می‌دهد که بیشترین مشکلات پاسخگویان زندانی مربوط به «مشکلات اقتصادی» با حدود ۳۳ درصد می‌باشد. پس از آن «مشکلات مربوط به اشتغال»، با ۲۴ درصد فراوانی «مشکلات خانوادگی»، با

۱۶ درصد و به همین میزان نیز اعتیاد و خرید و فروش مواد مخدر توسط اعضای خانواده را ذکر کرده‌اند و ۱۱ درصد «مشکلات روحی و روانی» و شرایط ناشی از آن را ذکر کرده‌اند. با توجه به نتایج بدست آمده مشخص می‌شود بیشترین مشکلات پاسخگویان مربوط به مشکلات اقتصادی می‌باشد. در ضمن بیکاری و مشکلات شغلی خود به نوعی به مسائل اقتصادی مربوط می‌شود. در مورد میزان دفعات دریافت اخطار از نیروی انتظامی قبل از زندانی شدن نیز سوال بعمل آمد، نتایج نشان می‌دهد که از مجموع پاسخ دهندگان ۳۶ درصد گفته‌اند قبل از زندانی شدن یکی دوبار از نیروی انتظامی اخطار جدی در ارتباط با عملکرد خود گرفته‌اند، پس از آن ۱۰ درصد گفته‌اند ۳-۴ بار، ۶ درصد بیشتر از هفت بار را ذکر کرده‌اند، ۲ درصد نیز بین ۵-۷ بار از نیروی انتظامی اخطار گرفته‌اند.

در مورد سابقه زندانی داشتن زندانیان، نتایج نشان می‌دهد که اکثریت پاسخگویان یعنی ۵۲ درصد گفته‌اند که قبلاً زندانی یا بازداشت شده‌اند، در مقابل حدود ۴۸ درصد گفته‌اند قبلاً زندانی و بازداشت نشده‌اند و بار اول آن‌ها می‌باشد. از بین افرادی که قبلاً زندانی شده‌اند، ۱۳ درصد پاسخگویان گفته‌اند که قبلاً بیش از ۵ بار زندانی یا بازداشت شده‌اند.

در مورد نوع جرم ارتكابی پاسخگویان، نتایج نشان می‌دهد بیشترین جرائم مربوط به خرید و فروش مواد مخدر و مشروبات الکلی با حدود ۵۳ درصد می‌باشد. پس از آن حدود ۲۵ درصد جرم ارتكابی خود را سرقت، زورگیری، ۹ درصد تجاوز به حقوق دیگران و راهزنی، ۵ درصد قتل، و به همین میزان کلاهبرداری و رشوه و اختلاس را ذکر کرده‌اند. و سایر پاسخگویان به موارد متفاوتی (از قبیل زنا و...) اشاره داشته‌اند.

تحلیل رگرسیونی عوامل مؤثر بر انحراف (ارتکاب جرم) در بین زندانیان

در تحلیل رگرسیونی انحرافات اجتماعی زندانیان، تمامی متغیرهای مستقل (یا

تأثیرگذار) تحقیق به برنامه رگرسیونی وارد شدند. از مجموع ۱۲ متغیر معرفی شده تعداد *www.SID.ir*

۱۰ متغیر به خاطر ضریب رگرسیونی و سطح معناداری کمتر از ۱٪ به معادله وارد شدند و به عنوان متغیرهایی مطرح بودند که تأثیر مستقیم بر روی انحراف زندانیان داشته‌اند، در ادامه به توضیح و تفسیر مختصر آن‌ها بر روی این متغیر پرداخته می‌شود.

با توجه به نتایج بدست آمده متغیر "میزان رواج کجروی و انحراف در خانواده" با ضریب بتای ($Beta = ۰/۲۹$) بالاترین تأثیر را بر روی انحراف دارد. بنابراین میزان گرایش به انحراف در بین زندانیان در مرحله اول متأثر از میزان رواج کجروی در خانواده آن‌هاست. در ضمن علامت مثبت ضریب این متغیر نشانگر تأثیر مستقیم میزان رواج کجروی در خانواده بر روی میزان گرایش به کجروی در فرد زندانی می‌باشد. یعنی خانواده‌هایی که میزان کجروی در بین اعضای آن‌ها بالا بوده و تقریباً عادی شده است، همین شرایط تأثیر زیادی بر گرایش به انحراف در فرزندان یا اعضای آن خانواده داشته است. و معنای $۰/۲۹$ نیز بدین صورت است که با افزایش یک واحد در میزان رواج کجروی در خانواده (شکستن قبح گناه)، میزان انحراف در فرزندان ۲۹ واحد افزایش خواهد یافت. البته این عامل براساس نظریه یادگیری قابل تبیین است زیرا در این نظریه آمده که انحراف یک رفتار آموخته شده است و فرزند بسیاری از رفتارهای انحرافی را از خانواده می‌آموزد.

با توجه به نتایج حاصله متغیر "احساس تعلق به خانواده" با ضریب بتای ($Beta = -۰/۲۸$) دومین متغیر تأثیرگذار بر روی انحراف است. بنابراین میزان کجروی در بین زندانیان در مرحله دوم، وابسته به میزان احساس تعلق به خانواده است علامت منفی ضریب، نشانگر تأثیر معکوس احساس تعلق به خانواده بر روی گرایش به انحراف می‌باشد. یعنی هر چه میزان احساس تعلق به خانواده در بین اعضای آن خانواده بالا رود، میزان گرایش به انحراف کاهش می‌یابد و معنای $۰/۲۸$ نیز بدین صورت است که با افزایش یک واحد در احساس تعلق به خانواده، میزان گرایش به انحراف ۲۸ واحد کاهش خواهد یافت.

سومین متغیری که به لحاظ وزن بتا وارد معادله شده است «محیط اجتماعی نامناسب» (یا تصور از زیاد بودن میزان آسیب‌های اجتماعی در محل زندگی) است. ضریب تأثیر رگرسیونی این متغیر برابر با $(\text{Beta} = 0/26)$ است. یعنی هر چه محیط اجتماعی نامناسب باشد، احتمال زیادی برای گرایش به انحراف در آینده دیده می‌شود. البته عدم تعلق به خانواده (بعنوان عامل پتانسیل بالقوه انحراف) و از طرف دیگر فراهم بودن زمینه‌های انحراف در محیط (بعنوان عامل پتانسیل بالفعل انحراف) هر دو براساس نظریه کنترل اجتماعی قابل تبیین است. زیرا براساس این نظریه نبودن کنترل اجتماعی باعث انحراف می‌شود.

چهارمین متغیری که به لحاظ وزن بتا وارد معادله شده است متغیر "سن فرد در اولین بار ورود به زندان می‌باشد" ضریب تأثیر رگرسیونی برابر با $(0/25)$ می‌باشد برطبق این نتیجه می‌توان گفت که ارتکاب به کجروی در بین افرادی که در سنین پایین برای اولین بار به زندان آمده‌اند به مراتب بیشتر از افرادی است که در سن بالاتر به زندان آمده‌اند. اما پس از این متغیر، پنجمین متغیری که در ارتکاب به کجروی یا انحراف تأثیر دارد متغیر میزان پایبندی دینی فرد و خانواده او می‌باشد. ضریب تأثیر رگرسیونی $(\text{Beta} = -0/18)$ می‌باشد و نشان می‌دهد که به ازای هر واحد افزایش در پایبندی دینی، میزان گرایش به انحراف به میزان ۱۸ واحد کاهش خواهد یافت. (ضریب منفی نشانگر تأثیر کاهنده می‌باشد). اما سایر متغیرهای تأثیر گذار عبارتند از: بیکار بودن فرد قبل از زندانی شدن (با ضریب بتا $0/17$). برطبق نتیجه حاصله می‌توان گفت که میزان گرایش به انحراف در بین افراد بیکار بیشتر از افراد شاغل می‌باشد. متغیر "گروه دوستان" (با ضریب $0/10$)، نیز تأثیر افزایش بر روی گرایش به انحراف در بین زندانیان داشته است. این عامل نیز براساس نظریه پیوند افتراقی ساترلند قابل تبیین است. زیرا براساس این نظریه افراد زمانی احتمال دارد منحرف شوند که ارتباط فراوان با افرادی که افکار و نظریه‌های منحرفانه دارند، داشته باشند.

اما سایر یافته‌ها نشان می‌دهد که متغیر "رضایت از زندگی" نیز با ضریب بتای ۰/۱۰- تأثیر کاهنده بر روی انحراف دارد یعنی به ازای هر واحد افزایش در میزان رضایت از زندگی میزان این گونه آسیب‌های اجتماعی ۱۰ واحد کاهش می‌یابد. متغیر "ارضای نیازهای عاطفی در خانواده" نیز با ضریب بتا ۰/۱۰- تأثیر کاهنده بر روی انحراف دارد. یعنی به ازای هر واحد افزایش در میزان ارضای نیازهای عاطفی در خانواده میزان گرایش به انحرافات ۱۰ واحد کاهش می‌یابد. متغیر رضایت از زندگی و ارضای نیازهای عاطفی بر اساس نظریه احساس محرومیت قابل تبیین است. زیرا این نظریه از یک طرف به کمبودهای عاطفی (مثل عدم ارضای نیازهای عاطفی) و از طرف دیگر به کمبودهای مادی و در نهایت به رابطه پویای بین این دو که در رضایت از زندگی افراد مؤثر است، اشاره دارد. البته خود متغیر احساس محرومیت نیز در بین زندانیان سنجیده شده است و میزان تأثیرگذاری آن بر روی انحراف زندانیان بدست آمده است، به این ترتیب که: متغیر "احساس محرومیت در بین زندانیان" (با ضریب ۰/۰۹)، نیز تأثیر افزایش بر گرایش به انحراف در بین زندانیان داشته است به ازای هر واحد افزایش در احساس محرومیت، میزان گرایش به انحراف ۹ واحد افزایش خواهد یافت. پس این موضوع از یک طرف بر اساس نظریه احساس محرومیت قابل تبیین است. زیرا بخشی از این نظریه به بیان رابطه بین میزان آرزوها و تحقق آن‌ها می‌پردازد و همچنین بر اساس این نظریه افراد به مقایسه خود با دیگران (دوستان و نزدیکان) می‌پردازند و اگر در اثر مقایسه احساس کنند که از دیگران عقب‌ترند احساس محرومیت به آن‌ها دست می‌دهد و این احساس در اثر کمبود یا پایین بودن متغیرهای کنترلی (مثل پایبندی دینی، ارضای نیازهای عاطفی و...) ممکن است باعث گرایش به کجروی و انحراف شود. البته این موضوع بر اساس نظریه ناامیدی از کسب منزلت «کوهن» نیز قابل تبیین است. زیرا همان‌طور که در این نظریه آمده است. انحراف میان جوانان طبقات پایین‌تر جامعه شایع‌تر است. زیرا که آن‌ها نمی‌توانند در محیط‌های طبقه متوسط و بالا منزلتی کسب نمایند و از این رو با داشتن روحیه احساس محرومیت، زمینه بیشتری برای گرایش به کجروی دارند.

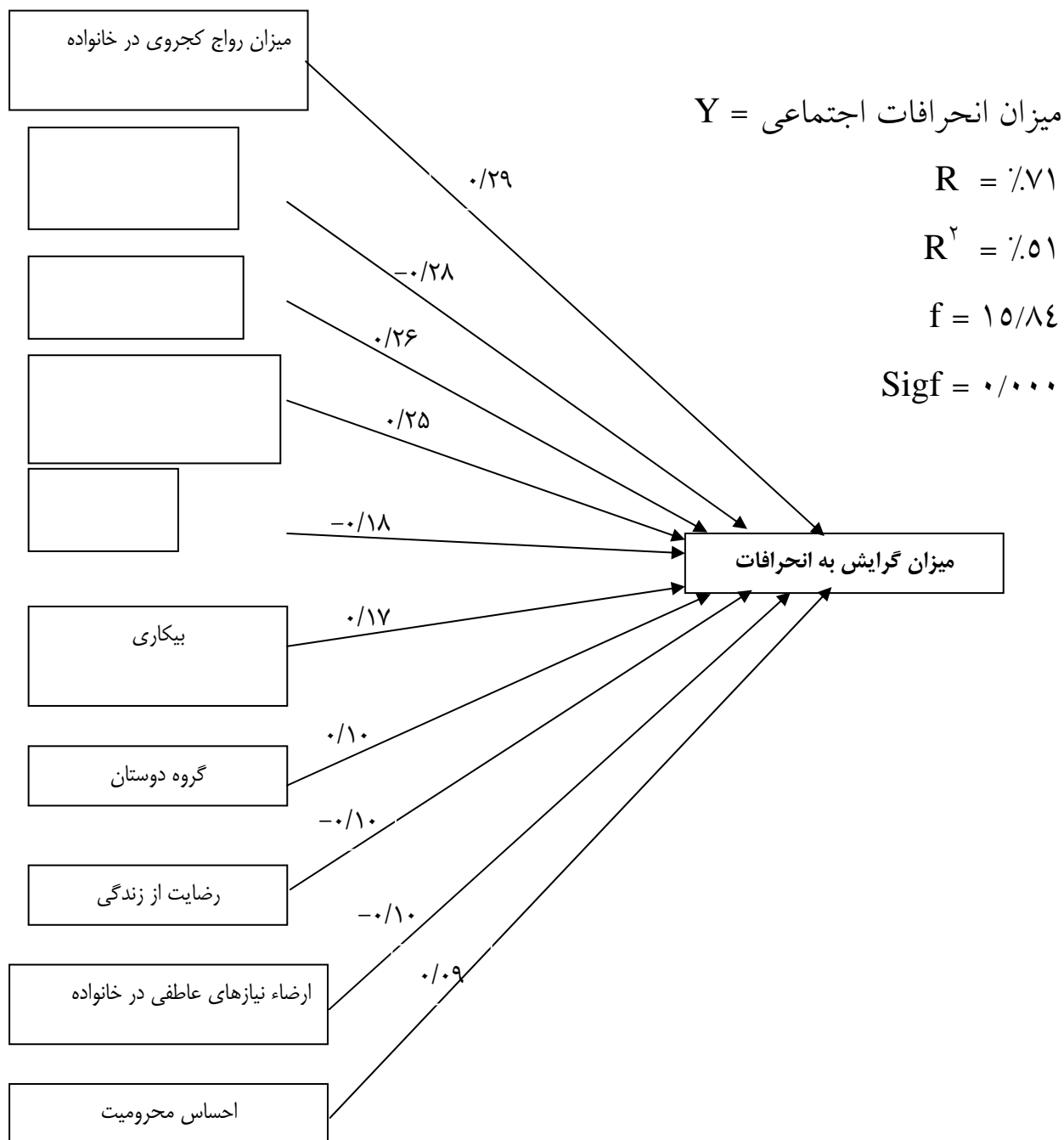
مقدار آزمون فیشر بدست آمده ($F = 15/84$) که در سطح کاملاً معناداری است ($\text{Sig.f} = 0/00$)، و بیانگر رابطه معنادار مجموعه‌های متغیرهای مستقل باقی مانده در معادله با متغیر وابسته "گرایش به انحراف" می باشد. مقدار ضریب همبستگی رگرسیون چند متغیره ($R = 0/71$) نمایشگر همبستگی قوی مجموعه متغیرهای مستقل با متغیر گرایش به انحرافات است. اما مقدار ضریب تعیین ($R^2 = 0/51$) بیان کننده نسبت متوسطی یا ۵۰ درصدی از واریانس یا تغییرپذیری متغیر انحرافات اجتماعی توسط ۱۰ متغیر مستقل (یا تأثیرگذار) ذکر شده در قبل می باشد. در واقع ۴۹ درصد دیگر از عوامل گرایش به انحراف بدون تبیین باقی مانده است.

جدول ۳: نمایش ضریب رگرسیونی هر یک از متغیرهای تحقیق بر روی گرایش به

انحراف

Sig سطح معناداری	T تی تست	Beta (بتا استاندارد شده)	SEB (ضریب خطا)	B (بتای استاندارد نشده)	عنوان متغیر
۰/۰۱۴	-۱/۴۰۱	-۰/۰۹۸	۰/۸۰	-۰/۲۱۶	ارضاء نیازهای عاطفی در خانواده
۰/۰۱۵	۱/۵۰۱	۰/۸۵	۰/۸۴	۰/۲۰	میزان احساس محرومیت
۰/۰۱۳۴	-۱/۵۰۱	-۰/۱۰	۰/۸۵	-۰/۲۲۷	رضایت از زندگی
۰/۰۰۱	-۵/۲۱۲	-۰/۲۸۲	۰/۱۷۹	-۲/۲۵۵	میزان احساس تعلق به خانواده
۰/۷۹۲	۰/۲۶۴	۰/۰۱۲	۰/۰۹۹	۰/۲۶	جنسیت پاسخگو
۰/۰۰۱	۵/۲۱۲	۰/۲۸۷	۰/۱۸	۲/۲۷۵	میزان رواج کجروی در خانواده
۰/۰۰۱	-۳/۲۰۰	-۰/۱۸۰	۰/۸۴۰	-۳/۱۲۸	میزان پایبندی به امور دینی
۰/۰۳۳	۲/۱۳۶	۰/۰۹۷	۰/۱۰۴	۰/۲۲۳	تأثیر گروه دوستان
۰/۰۰۰	۵/۴۸۴	۰/۲۵۹	۰/۰۱۸	۰/۱۰۰	محیط اجتماعی نامناسب
۰/۱۵۱	-۱/۴۳۷	-۰/۰۶۵	۰/۰۸۵	-۰/۱۲۲	پایگاه اقتصادی و اجتماعی
۰/۰۰۰	۵/۶۵۹	۰/۲۴۹	۰/۴۴۷	۲/۵۳۲	سن فرد در هنگام اولین بار به زندان
۰/۰۰۰	۳/۸۲۵	۰/۱۷۴	۰/۸۴۴	۳/۲۲۷	نوع شغل (با فرض بیکاربودن)
۰/۰۰۰	۶/۱۰۵	-	۲/۱۶۶	۱۳/۲۲۱	عدد ثابت (Constant)

نمودار ۱- تحلیل میزان تأثیرات مستقیم متغیرهای مستقل بر گرایش به انحراف



براساس مدل تحلیلی مشخص می‌شود که متغیرهای میزان رواج کجروی در خانواده (شکستن قبح گناه) و احساس تعلق به خانواده و محیط اجتماعی نامناسب و پایبندی دینی مهمترین متغیرهای تأثیرگذار بر روی میزان گرایش به انحرافات اجتماعی هستند. به این ترتیب که متغیرهای «میزان رواج کجروی در خانواده و محیط اجتماعی نامناسب»

تأثیر افزایش بر روی انحرافات و کجروی دارند و اما «متغیرهای میزان احساس تعلق به خانواده و پابندی دینی» تأثیر کاهنده بر روی کجروی و انحراف دارد.

۹- تفسیر نتایج و پیشنهادات تحقیق

همان طوری که در قسمت ادبیات نظری و تجربی مشخص شد، انحرافات اجتماعی از جمله مهم‌ترین مسائل اجتماعی در هر جامعه است که به عوامل و متغیرهای متفاوتی بستگی دارد و از این رو برای کاهش آن در جامعه باید برنامه‌ریزی در نهادهای متفاوتی مثل خانواده، مدرسه، دانشگاه، سطح جامعه و... انجام گیرد. زیرا با سالم‌سازی فضای اخلاق عمومی جامعه و خانواده می‌توان از میزان انحرافات کاست.

حال در ادامه به بررسی و تجزیه و تحلیل متغیرهای تحقیق پرداخته می‌شود و سعی بر آن است که به بررسی سهم متغیرهای اساسی در کاهش انحرافات اجتماعی و در نهایت تأثیر آن‌ها در ساخت جامعه ایمن پرداخته شود.

- به این ترتیب در ابتدا برطبق نتایج رگرسیون چندمتغیره می‌توان گفت که متغیر میزان رواج کجروی در خانواده مهمترین متغیر تأثیرگذار بر روی انحرافات اجتماعی است. بنابراین فرزندان که در خانواد‌های ناسالم پرورش می‌یابند، استعداد بالاتری نسبت به سایرین در زمینه گرایش به انحرافات اجتماعی دارند (بحث نظری این موضوع بصورت مبسوط در نظریه یادگیری اجتماعی آمده است)، اما در مقابل برطبق نتایج پژوهش، متغیر دیگری که تأثیر فوق‌العاده بر روی کاهش انحرافات اجتماعی دارد، میزان ارضای نیازهای عاطفی در خانواده می‌باشد. والدین باید به این امر توجه داشته باشند که فقط نباید به فکر نیازهای فیزیولوژیک فرزندان خود (مثل غذا، خوراک، پوشاک، مسکن و...) باشند، بلکه آن‌ها باید به مسائل نرم‌افزاری (معنوی) فرزندان خود توجه ویژه داشته باشند زیرا همین امر باعث بالا رفتن میزان احساس تعلق به خانواده در فرزندان می‌شود و همان طور که نتایج تحلیل رگرسیونی نشان می‌دهد، بالا رفتن احساس تعلق به خانواده در کاهش انحرافات اجتماعی نقش برجسته و قابل تأملی دارد. پس اگر خانواده‌ها در مرحله اول

درست عمل نکنند، جامعه و محیط نیز نمی‌تواند کارکرد سازنده و همه‌جانبه داشته باشند، در ضمن وجود محیط نامناسب اجتماعی (با توجه به کمبود فضاها و فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی) معمولاً افراد را به سوی مسائل غیراخلاقی جهت پرکردن اوقات فراغت خود سوق می‌دهد. البته همان‌طور که در تحلیل رگرسیونی مشخص شد فرد در محیط ناسالم رفتارهای انحرافی را از گروه دوستان یاد می‌گیرد. بنابراین محیط ناسالم زمینه بالقوه آسیب‌های اجتماعی را فراهم می‌سازد و گروه دوستان ناسالم آن را به صورت بالفعل در می‌آورند. این عامل اخیر نیز براساس نظریه «پیوند افتراقی ساترلند» قابل تبیین است. زیرا براساس این نظریه افراد زمانی احتمال دارد منحرف شوند که با افرادی که نظریه‌های منحرفانه دارند ارتباط بیشتری داشته باشند.

پایبندی دینی از جمله عوامل مؤثر در کاهش انحرافات اجتماعی است. پس باید به آموزه‌ها و رهنمودهای دینی توجه ویژه داشت و سازمانهای مسئول، مثل اداره تبلیغات اسلامی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، صدا و سیما، مدارس، دانشگاه‌ها، باید توجه ویژه‌ای به این مهم داشته باشند و در نشر درست اندیشه‌های اسلامی به صورت کارشناسی و دقیق نهایت سعی و تلاش خود را بکار بگیرند.

یکی از مهمترین اقدامات، انجام فعالیت‌های فرهنگی در سطح جامعه است و مسئولین مربوطه (شهرداری و اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی و...) باید با انجام فعالیت‌های متنوع فرهنگی بتوانند اوقات فراغت عموم مردم به ویژه نوجوانان و جوانان را به شکل مطلوب و مؤثر پر کنند. البته در خصوص فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی می‌توان به صدا و سیما نیز اشاره کرد زیرا امروزه تلویزیون ارزانتترین، فراگیرترین (گسترده‌ترین) و پرتأثیرترین رسانه‌ای است که علاوه بر جنبه شنیداری، جنبه دیداری داشته و می‌تواند بسیار مؤثر باشد. از این رو این رسانه باید با استفاده از کارشناسان روانشناسی، جامعه‌شناسی و ... اقدام به تهیه فیلم‌های آموزشی عبرت‌آمیز برای خانواده‌ها نماید.

گسترش مراکز مددکاری و مشاوره‌ای اجتماعی برای آموزش دادن خانواده‌ها و جلب نظر خانواده‌ها به عواقب ناشی از اختلافات خانوادگی (به ویژه طلاق، عدم مراقبت و کنترل

فرزندان و رها کردن آنان و آثار سوء اعتیاد والدین یا یکی از آنها بر روی نوجوانان و غیره) می‌تواند در کاهش انحرافات اجتماعی نقش برجسته‌ای داشته باشد. زیرا بر طبق یافته‌های پژوهش تعدادی از زندانیان بیان کرده‌اند که قبلاً پدر و یا برادر آنها سابقه زندان را داشته و از این رو زمینه انحراف در خانواده آنها وجود داشته است.

به فعالیت‌های سازنده و بازدارنده نیروی انتظامی نیز می‌توان اشاره داشت. البته هدف آن نیست که نیروی انتظامی در ابتدا متوسل به فعالیت‌های خشونت آمیز در ارتباط با انواع انحرافات شود، بلکه در ابتدا باید با استفاده از روش‌های اقناع و امر به معروف و نهی از منکر با انحراف اجتماعی مقابله نماید و در صورت شدت و تکرار جرم از طریق اعمال اجبار اجتماعی و اجرای قانون مجازات با متخلفین برخورد نمایند. ولی در کل نهادهای انتظامی و قضایی به منظور جلوگیری از سوء استفاده در اشکال مختلف توسط باندهای تبهکار اهتمام جدی باید داشته باشند زیرا گاهی اوقات یکی از عوامل گسترش وقوع جرم و انحراف در جامعه، بازدارنده نبودن مجازات‌ها است.

در نهایت باید دسترسی برابر به منابع و فرصت‌های برابر در قالب استراتژی مدون، به طور مساوی برای همه فراهم شود، زیرا عدالت توزیعی در بین افراد جامعه می‌تواند در عدم احساس محرومیت و در نهایت در تشویق افراد برای رعایت ارزشها و هنجارها بسیار موثر باشد.

در ضمن گسترش سازمان‌ها غیر دولتی و مردم نهاد در سطح محلات (در قالب نشستهای محله محور) می‌تواند در کنترل آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی بسیار موثر باشد. این مورد در برخی از محلات شهر تهران توسط شهرداری اجرا شده و موفقیت‌های خوبی در کنترل آسیب‌های اجتماعی داشته است.

منابع:

- ازکمپ، استوارت (۱۳۷۰). *روانشناسی اجتماعی کاربردی*، ترجمه فرهاد ماهر،

- اینگلهارت، رونالد. (۱۳۷۳)، *تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی*، ترجمه مریم وتر. انتشارات امیرکبیر، چاپ اول.
- داوری، محمد و دیگران. (۱۳۸۷)، *جامعه‌شناسی کاربردی*، انتشارات پژوهشکده حوزه و دانشگاه چاپ اول.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۰)، *توسعه و تضاد*، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۰)، *دایره‌المعارف علوم اجتماعی*، تهران، انتشارات کیهان، چاپ اول.
- ستاریان، ستاره. (۱۳۸۱) *انحرافات اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در میان دانش‌آموزان دبیرستانی شهر تهران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته پژوهشگری علوم اجتماعی دانشگاه شهید بهشتی.

- صدیق سروسرستانی، رحمت الله. (۱۳۸۳) *آسیب شناسی اجتماعی*، چاپ اول، تهران: انتشارات آن.
- صفری شالی، رضا (۱۳۸۳). *مطالعه آسیب‌های اجتماعی در بین نوجوانان استان قزوین* (بررسی زمینه‌های بزهکاری و وندالیسم)، سازمان آموزش و پرورش استان قزوین.
- عبداللهی، محمد (۱۳۸۱)، *آسیب‌های اجتماعی و روند تحول آن در ایران*، در مجموعه مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران. تهران: انتشارات انجمن جامعه‌شناسی ایران، جلد اول.
- فرجاد، محمدحسین. (۱۳۵۸)، *آسیب‌شناسی اجتماعی* (جامعه‌شناسی انحرافات و مسائل اجتماعی ایران)، تهران، دانشگاه تربیت معلم
- کارولین، بی. رز، (۱۳۵۳)، *جامعه‌شناسی: بررسی انسان در جامعه*، ترجمه ناصر رحیمی، تهران، ابن سینا
- مشکانی، محمدرضا و زهرا سادات مشکانی (۱۳۸۱)، *سنجش تأثیر عوامل درونی و بیرونی خانواده بر بزهکاری نوجوانان*، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره چهارم، شماره ۲
- هزار جریبی، جعفر و رضا صفری شالی (۱۳۸۵) *بررسی و الویت بندی آسیب‌های اجتماعی در استان مرکزی*، سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان مرکزی
- یازرلو، رضا (۱۳۸۴) «بررسی عوامل مؤثر بر بزهکاری نوجوانان شهر گرگان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.
- Barbera,stein.Linda. 1982 "**Secifying Labeling Theory**":The case of the young child and p.sychoanalytic Agents of control
- Cloward,Richard and ohlinlioyd. E. 1961 "**Delinquency and uppportoty**" N.S.A The Free Press.

- Cohen, Lawrence E, and others. 1980 "**Property crime Rates in the united state A Macrody namical Analysis**", 1947-77. American sociological Review. Vol.86.
- Cohen, Albert. 1966 "**Deviance and control**", New York, Prentice Hall.
- Ebbe, Obi N. 1989 Crime and Delinquency in Metropolitan Lagos: "**A study of crime and Delinquency Area theory**". Social Forces vol. 67. NO.3
- Frazier, Charles, E. 1976 "**Theoretical Approach to Deviance and Graluation**", U.S.A I Bell and Howell Company.
- Hagan, John. 1992. "**The poverty of a classless criminology – The American Society of Criminology. 1991 presidential address.**" Criminology, 30, 1-19. An effort to convince criminologists that it is important to use the class-related concept of power to understand the nature of crime.
- Hagan, John, A. Gills, and John Simpson. 1985 "**The class structure of Gender and Delinquency**": Toward a power-control Theory of common Delinquent Behaviour." American journal of sociology. vol 90.
- Hewstone, B. & Stroebe, W. (2001), **Introduction to social Psychology**, Blackwell publishers, Third edition.
- Klein, Ronald J. and others. 1982 The continuum of criminal offenses instrument journal of offender counseling, services, and Rehabilitation, vol 7. no.1.
- Patterson, E. Britt 1991 "**Poverty. Income Inequality and community crime rates, criminology**", vol. 29. NO. 4.

- Thio Alex .1998, **Deviant Behavior, Longman**, fifhe Edition.
- Ward, David A., and Charles R. Tittle. 1993. “**Deterrence or labeling: The effects of informal sanctions.**” *Deviant Behavior* 14, 43- Offers data showing how primary deviance leads to secondary deviance as suggested by labiling theory.